

«زن و مطالعات خانواده»
سال یازدهم - شماره چهل و سوم - بهار ۱۳۹۸
ص ص: ۱۹-۳۵
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۵

پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس رضایت جنسی، تمایز یافتگی و تفکر قطعی نگر در بین زوجین جوان شهر اصفهان

اکرم لطفی سرجینی^۱

شیوا تقی پور^۲

لیلا السادات میرصیفی فرد^۳

خدیجه مرادی^۴

چکیده

رابطه رضایت زناشویی به عنوان یکی از مهم‌ترین روابط است که مقدمه تربیت نسل آینده، بهزیستی روانی زوجین و استقلال خود افراد محسوب می‌شود. هدف پژوهش حاضر، پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس رضایت جنسی، تمایز یافتگی و تفکر قطعی نگر در بین زوجین جوان شهر اصفهان بود. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش کلیه زوجین جوان شهر اصفهان که کمتر از ۱۰ سال است که ازدواج کردند که ۷۰۰۰ نفر بود. بر اساس جدول مورگان ۳۶۴ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس‌های رضایت زناشویی والتز دلبلیو هودسن (۱۹۹۲)، رضایت جنسی هادسون-هریسون و کوسکاپ (۱۹۸۱)، تمایز یافتگی خود اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) و مقیاس تفکر قطعی نگر یونسی و میرافضل (۱۳۸۳) استفاده شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از ضریب رگرسیون چندگانه مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان دادند که بین رضایت جنسی و رضایت زناشویی رابطه معنی‌دار وجود داشت ($r=0/343$ $p< 0/05$); بین تمایز یافتگی و

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

۴. دکترای تخصصی روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان نویسنده مسول moradikhajieh@gmail.com

رضایت زناشویی رابطه معنی دار وجود داشت ($r=0/205$ $p < 0/05$)؛ بین تفکر قطعی نگر و رضایت زناشویی رابطه معنی دار وجود داشت ($r=0/353$ $p < 0/05$)؛ از سوی دیگر متغیر رضایت جنسی ۱۲/۵ درصد تغییرات رضایت زناشویی را تبیین می کند؛ هم چنین متغیر تفکر قطعی نگر ۴/۲ درصد تغییرات رضایت زناشویی را تبیین می کند. بر اساس یافته های پژوهش به منظور بهبود رضایت زناشویی زوجین جوان می توان با برگزاری دوره های فردی و گروهی، آموزش های لازم جهت تعدیل تمایزیافتگی و دستیابی به رضایت جنسی فراهم گردد.

واژه های کلیدی: رضایت زناشویی، رضایت جنسی، تمایزیافتگی، تفکر قطعی نگر

مقدمه

ازدواج و رابطه زناشویی، منبع حمایت، صمیمیت و لذت انسان می باشد و سبب پیدایش همکاری، همدردی، یگانگی، علاقه و مسئولیت پذیری نسبت به خانواده خواهد شد (بات، نیک گابین و فالوی^۱، ۲۰۱۵). به تحقق پیوستن اهداف ازدواج پس از برقراری رابطه زناشویی، موجب احساس رضایت و خوشبختی فرد می شود و خلاف این امر، اختلاف زناشویی و در نهایت نارضایتی از ازدواج را به همراه خواهد داشت. ازدواج را می توان یکی از مهم ترین عوامل بهداشت روانی در اجتماع دانست که اگر با مشکل روبرو شود، بهداشت روانی حاصل نخواهد شد و اثرات منفی و ماندگار آن نظیر افسردگی و اضطراب و دیگر اختلالات روانی نتیجه این نارضایتی زناشویی خواهد بود (اولسن و دفرین^۲، ۲۰۱۶).

رضایت زناشویی^۳ یک جنبه بسیار مهم و پیچیده از یک رابطه زناشویی است. زناشویی از منابع تأمین کننده بسیاری از نیازهای روانی - اجتماعی متقابل زن و شوهر محسوب می شود و شاخصی برجسته جهت قضاوت در مورد میزان کارآمدی یک رابطه زناشویی است. این شاخص، متغیری بسیار مهم در پیش بینی دوام زندگی زناشویی به شمار می رود (پروچنو، ویلسون - جندرسون، کارت رایت^۴، ۲۰۱۲) و به عنوان یک احساس ذهنی شادی، رضایت و لذت است که هنگام در نظر گرفتن جنبه های جاری زندگی زناشویی و سود و زیان های آن توسط فرد متأهل تجربه می شود. رضایت زناشویی سازهای چندبعدی و متشکل از ابعاد مختلف است و از طریق ارزیابی تعاملات جاری بین زوج ها (علاقه متقابل، مراقبت از هم، پذیرش یکدیگر، تفاهم و هماهنگی در انجام امور، تقسیم کار، روابط جنسی، ابراز احساسات و کیفیت ارتباط) قابل

1 . Boat, Nick Gabion & Flavin

2 . Olsen & Define

3 . Marital satisfied

4 . Poncho, Wilson-Henderson, Kart With

سنجش است (اسپیچر، ونزل و هاروی^۱، ۲۰۱۰؛ گریف^۲، ۲۰۱۵). از جمله عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی متغیرهای جمعیت شناختی (رحمانی و الله قلی، ۱۳۹۴)، ویژگی های شخصیتی، سبک های دلبستگی، تمایزیافتگی (پورا کبر، ۱۳۹۳)، تفکر قطعی نگر، کیفیت ارتباط، تفاوت شخصیتی، وابستگی، خلق و خو، اسناد، تفکر و شناخت (مرشدی، ۱۳۹۵)، رضایت از روابط جنسی، استرسها و وقایع زندگی می باشد (بخشایش و مرتضوی، ۱۳۹۴).

مطالعات مختلفی به تأثیر رضایت جنسی^۳ بر رضایت زناشویی اشاره کرده اند (برزنیاک و ویسمن^۴، ۲۰۱۴؛ سلوسارز^۵، ۲۰۱۳؛ نیکولز^۶، ۲۰۱۵؛ ترمن^۷، ۲۰۱۷؛ مدانس^۸، ۲۰۱۵؛ بایرز^۹، ۲۰۱۴؛ نظری و همکاران، ۱۳۹۵؛ بخشایش و مرتضوی، ۱۳۹۴؛ رحمانی و همکاران، ۱۳۹۴ و امرالهی و همکاران، ۱۳۹۳). غریزه جنسی از نیازهای ذاتی انسان است. به طوری که مزلو (۱۹۷۶)، به نقل از واندرماسن^{۱۰}، (۲۰۱۲) این نیاز را در رده نیازهای جسمانی یا نیازهای حیاتی اولیه قرار داده است. در زمینه رابطه جنسی نیز می توان گفت که اگر چه زندگی زناشویی سعادت‌مندان فقط تا اندازه ای مربوط به رابطه جنسی است ولی این رابطه ممکن است از مهمترین علل خوشبختی یا عدم خوشبختی در زندگی زناشویی باشد. زیرا اگر این رابطه قانع کننده نباشد، منجر به احساس محرومیت، ناکامی، عدم احساس ایمنی (به خطر افتادن سلامت روان) و در نتیجه از هم پاشیدگی خانواده می شود (شاملو، ۱۳۸۸).

از سوی دیگر دیدگاه های شناختی، سلامت و یا عدم سلامت روانی و رضایت از زندگی از جمله رضایت زناشویی را به نحوه دریافت و تفسیر فرد از جهان و یا به طور اخص، محیط پیرامون وابسته دانسته اند (سامرز-فالانگن^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۱). تحریفات شناختی انواع مختلفی دارد، مانند تفکر قطبی شده^{۱۲}، جداسازی گزینشی^{۱۳}، برچسب زدن^{۱۴} و سوء برچسب زدن^{۱۵} و غیره. تفکر قطعی نگر^{۱۶} به عنوان مادر

1 . Speicher, Wenzel & Harvey

2 . Grief

1. Sexual satisfaction

4 . Berezina & Wiseman

5 . Selosarese

6 . Nicolas

7 . Term an

8 . Me dance

9 . Buyers

10 . Wander Masen

11 . Somers- Falange

12 . polarized thinking

13 . selective abstraction

14 . labeling

15 . mislabeling

16 . Thoughtful Thinking

تحریفات شناختی مطرح و سایر تحریفات شناختی نیز بیشتر به نحوی از این نقطه شروع می شوند و پس از تأیید شدن در این کانال اصلی (مادر همه تحریف ها) وارد کانال های فرعی دیگر در ذهن می شوند. تفکر قطعی نگر عبارتست از: نوعی تحریف که حادثه و یا امری را با قاطعیت، مساوی چیز دیگری می داند و رابطه مثبتی با اضطراب و افسردگی و هم چنین رابطه منفی با امید به زندگی دارد (یونسی، ۱۳۹۵). زیبایی در چهره مساوی با تداوم ازدواج، عدم زیبایی در چهره مساوی با عدم تداوم ازدواج و یا ازدواج مساوی با محدودیت، عدم ازدواج مساوی با آزادی و ده ها مورد از تساوی های دیگر از نمونه های این تحریف هستند که روزانه بسیاری از افراد آن را به کار می برند، بدون توجه به این که توسط این قطعیت ها روابط خود را با محیط و حتی خود را به صورت آسیب زایی تحت تأثیر قرار می دهند. انتخاب این نوع تفکر به عنوان نوعی از تحریف بر اساس این اعتقاد است که در جهان خلقت هیچ چیز مساوی نیست و آنچه به عنوان تساوی در ریاضیات و سایر علوم پایه مطرح است چیزی جز در مقام و مرحله ذهن نیست (جمالی، ۱۳۹۲). نتایج پژوهش های انجام شده در سال های اخیر، حاکی از تأثیر تفکر قطعی نگر بر رضایت زناشویی می باشد (یولاندا^۱، ۲۰۱۷؛ ویسمن، اوبلکر و وینستاک^۲، ۲۰۱۶؛ فریش^۳، ۲۰۱۵؛ اسمیت^۴ و همکاران، ۲۰۱۴؛ مرشدی، ۱۳۹۵؛ مقصودزاده، ۱۳۹۴ و یونسی و بهرامی، ۱۳۹۳).

از عوامل مهمی که در سال های اخیر به آن توجه شده است و بر رضایت زناشویی تأثیر دارد، تجارب اولیه فرد با والدین یا نوع رابطه هیجانی فرد با والدین خود در دوران کودکی است. برخی پژوهش ها تلاش کرده اند تا به این سوال پاسخ دهند که چگونه تجارب اولیه فرد در دوران کودکی می تواند وی را در بزرگسالی تحت تأثیر قرار دهد (جهان بخشی و کلانتر کوشه، ۱۳۹۴). یکی از ویژگی های فردی که در اثر تجارب اولیه کودک - والد در بزرگسالی، تأثیر مهمی بر روابط بین فردی دارد، سطح تمایز یافتگی خود^۵ است. خانواده ها و دیگر گروه های اجتماعی تأثیر زیادی روی نحوه تفکر، احساس و رفتار افراد دارند. محیط و خانواده سطح تمایز یافتگی فرد را در کودکی تعیین می کنند. بوئن^۶، تمایز یافتگی خود را توانایی افراد در انعطاف پذیر بودن و عاقلانه عمل کردن به ویژه در رویارویی با اضطراب تعریف کرده است (به نقل از نیکولز و شوارتز، ۱۳۹۲). تمایز یافتگی که مهم ترین مفهوم سیستم های نظریه خانواده است میزان توانایی فرد در تفکیک فرآیندهای عقلی و احساسی را نشان می دهد (خطیبی، ۱۳۹۲). به عبارتی، رسیدن به حدی از استقلال عاطفی که فرد بتواند در موقعیت های عاطفی و هیجانی، بدون غرق شدن در جو عاطفی آن موقعیت ها، به صورت خودمختار و عقلانی تصمیم گیری کند. تمایز نیافتگی را در دو سطح

- 1 . Yolanda
- 2 . Wiseman, Oblique & Winnetka
- 3 . Fresh
- 4 . Smith
- 5 . Differentiation of Self
- 6 -Bowen

می توان بررسی کرد: ۱. به عنوان فرآیندی که در درون فرد رخ می دهد. ۲. به عنوان فرآیندی که در روابط بین افراد به وقوع می پیوندد. در سطح درون فردی، تمایز نیافتگی یا هم آمیختگی، زمانی رخ می دهد که اشخاص احساسات خود را از تفکرشان تفکیک نمی کنند و به جای آن در احساسات غرق می شوند. در سطح بین شخصی، شخص تمایز نیافته، تمایل دارد یا به طور کامل جذب احساسات دیگران شود و با جو عاطفی محیط حرکت کند و یا برعکس، علیه دیگران واکنش نشان دهد (جلسو و فریتز^۱، ۲۰۰۹). افراد با تمایز یافتگی بالا واکنش های خود را به صورت منطقی کنترل می کنند و در مقابل، افراد با تمایز یافتگی پایین گرایش دارند تا این کنترل را با واکنش های هیجانی و عاطفی اعمال کنند (پیس^۲، ۲۰۱۳). در نظام زناشویی نیز وقتی تمایز یافتگی زوج ها بالا باشد احتمال سازگاری مناسب با تعارض ها نیز برای زوج ها بیشتر می شود و اضطراب، واکنش های هیجانی و در نهایت آمیختگی کاهش می یابد، در سمت مقابل، استفاده زوج های با تمایز یافتگی پایین از اجتناب، به هنگام وقوع تعارض (لیلانی^۳، ۲۰۱۳) به بر هم زدن تعادل بین « با هم بودن و فردیت » می انجامد (گلید^۴، ۲۰۱۴). مطالعات مختلف حاکی از آن است که سطح تمایز یافتگی فرد متقابلاً بر محیط و زندگی اجتماعی و آینده فرد و از جمله روابط زناشویی وی تأثیر می گذارد (پپلاژ^۵، ۲۰۱۶؛ اسکرون و دندی^۶، ۲۰۱۵؛ گلید، ۲۰۱۴؛ هاوس و ملینکروود^۷، ۲۰۱۳؛ گاینز، پروسا، بارتل - هرینگ^۸، ۲۰۱۳؛ اباذری، ۱۳۹۵؛ صمدی، ۱۳۹۵؛ منتی زاده، ۱۳۹۴؛ نیلاب، ۱۳۹۴؛ محمدی، ۱۳۹۳؛ خطیبی، ۱۳۹۲ و جمالی، ۱۳۹۲).

به طور کلی نبود توجه کافی به مسئله عدم رضایت زناشویی می تواند به شیوع بیشتر این امر منجر شود. از این رو لازم است تا پژوهش هایی به دنبال عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی باشد تا زمینه ای برای استخراج مدل های پیشگیری و درمانی فراهم شود. هم چنین انجام پژوهش حاضر می تواند دانش جدیدی به زوجین در مورد رضایت زناشویی دهد و عوامل اثرگذار بر آن را بررسی نماید. با وجود تأثیر ویژگی های فردی و رضایت جنسی بر رضایت زناشویی، در این زمینه پژوهش های اندکی در کشور صورت گرفته است. این پژوهش در صدد پاسخ گویی به این سوال است: آیا رضایت جنسی، تمایز یافتگی و تفکر قطعی نگر بر رضایت زناشویی تأثیر دارد؟

-
- 1 . Gesso & Frets
 - 2 . Pease
 - 3 . Leilani
 - 4 . Gelid
 - 5 . Piles
 - 6 . Schroon & Dandy
 - 7 . Haves & Melikrod
 - 8 . Gayness, Peruse, Bartel-Hering

تعاریف متغیرها

رضایت زناشویی: رضایت زناشویی یعنی انطباق بین انتظاراتی که فرد از زندگی زناشویی دارد و آن چیزی است که در زندگی اش تجربه می کند. یکی از مهمترین تعریف ها توسط هاکینز انجام گرفته است که وی رضایت زناشویی را چنین تعریف می کند: احساس رضایت و لذت تجربه شده توسط زن و شوهر در هر زمانی که همه جنبه های ازدواجشان را در نظر می گیرند (خطیبی، ۱۳۹۲). در این پژوهش رضایت زناشویی نمره ای است که آزمودنی ها از پرسشنامه رضایت زناشویی والتر دبلیو هودسن به دست می آورند.

رضایت جنسی: رضایت جنسی به عنوان یک ارزیابی ذهنی، شامل واکنش های تأثیرگذاری است که از ارزیابی روابط جنسی به طور کلی نشأت می گیرد و سلامت عمومی فرد را از جنبه های گوناگون تحت تأثیر قرار می دهد (رحمانی و الله قلی، ۱۳۹۴). نمره ای که آزمودنی ها از پرسشنامه هادسون-هریسون و کوسکاپ کسب می کنند.

تمایزیافتگی: تمایزیافتگی به عنوان یک کارکرد درون فردی، به توانایی جداسازی فرآیندهای عاطفی از فرآیند عقلانی و تعادل مناسب میان آنها اشاره دارد به عنوان کارکرد بین فردی، روابط فرد با دیگران و میزان متزاج فرد با دیگران را نشان می دهد (هیدن روتس، جان کووسکی و سانداجی، ۲۰۱۵). نمره ای که آزمودنی ها از پرسشنامه اسکورن و فریدلندر کسب می کنند.

تفکر قطعی نگر: تفکر قطعی نگر عبارت است نوعی تحریف که حادثه و یا امری را با قطعیت، مساوی چیز دیگری می داند و رابطه مثبتی با اضطراب و افسردگی و هم چنین رابطه منفی با امید به زندگی دارد (نیکولز و شوارتز، ۱۳۹۲). نمره ای که آزمودنی ها از یونسو و میرافضل کسب می کنند.

روش

روش پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی و به لحاظ نحوه جمع آوری داده ها از نوع توصیفی بود که در چهارچوب یک طرح همبستگی پیش بین انجام شد. جامعه آماری پژوهش کلیه زوجین جوان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان بودند که طول عمر ازدواج آنان کمتر از ۱۰ سال بود (۷۰۰۰ نفر). بر اساس جدول مورگان ۳۶۴ نفر با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای و در دسترس انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از مقیاس های ذیل استفاده شد:

الف. مقیاس رضایت زناشویی والتر دبلیو هودسن^۱: مقیاس رضایت زناشویی توسط والتر دبلیو هودسن در سال (۱۹۹۲) تدوین شد. این مقیاس دارای ۲۵ سوال بوده و هدف آن اندازه گیری میزان

1 . Hidden Roots, Jankowski & Sand age

2 . Walter W Hudson

رضایت فرد از ازدواج و زندگی زناشویی است. این پرسشنامه بر اساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت ۱ (هیچ گاه) تا ۵ (همیشه) نمره گذاری شده است. این آزمون دارای دو نقطه برش است یک نمره (+۵) ۳۰ که نمرات بیش از ۱ دال بر مشکلات بالینی قابل ملاحظه است. دومین نقطه برش ۷۰ است که نمرات بالاتر از آن همیشه حاکی از استرس شدید مراجع است. در پژوهش علائی و کرمی (۱۳۸۶) پایایی ابزار از روش آلفای کرونباخ برای گروه زنان و مردان به ترتیب برابر ۰/۹۱ و ۰/۸۸ بود. این آزمون با آزمون سازگاری زناشویی لاک-والاس^۱ (۱۹۵۹) همبستگی معنادار نشان می دهد. روایی این شاخص با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۲ برای مردان و زنان به ترتیب برابر ۰/۶۷- و ۰/۷۲- است. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۷؛ برای مردان ۰/۸۷ و برای زنان ۰/۸۸ برآورد گردید.

ب. مقیاس رضایت جنسی: این مقیاس توسط هادسون-هریسون و کوسکاپ^۳ (۱۹۸۱) برای ارزیابی سطح رضایت زوجین ساخته شد. این مقیاس دارای ۲۵ سوال می باشد. پاسخ آزمودنی به هر ماده آزمون در سطح یک مقیاس ۷ درجه ای بین ۰ تا ۶ مشخص می شود و در مجموع نمره آزمودنی ها در کل تست بین ۰ تا ۱۵۰ در نوسان است. ثبات درونی این مقیاس توسط طراحان محاسبه و آلفای کرونباخ آن ۰/۹۱ بدست آمد. اعتبار مقیاس نیز با فاصله یک هفته محاسبه شد که برابر ۰/۹۳ شد (هادسون و همکاران، ۱۹۸۱ به نقل از دانیل^۴ و همکاران، ۱۹۹۷). روایی این مقیاس از طریق همبستگی آن با خرده مقیاس رضایت جنسی انریچ نیز محاسبه شد که میزان آن ۰/۷۴ بدست آمد (پوترز و کابیل^۵، ۲۰۰۸ به نقل از پوراکیبر، ۱۳۹۳). پوراکیبر (۱۳۹۳) پایایی پرسشنامه را ۰/۸۸ بدست آورد. هم چنین رحمانی و همکاران (۱۳۹۴) اعتبار پرسشنامه را از طریق روش آزمون مجدد ۰/۸۹ برآورد شد. در پژوهش حاضر، الفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۳ برآورد گردید.

ج. مقیاس تفکر قطعی نگر: این مقیاس توسط یونسی و میرافضل (۱۳۸۳) تدوین شده است. این مقیاس دارای ۳۶ سوال است که با مقیاس ۴ درجه ای لیکرت کاملاً موافقم (۱) تا کاملاً مخالفم (۴). اعتبار کل این پرسشنامه از طریق همسانی درونی برابر با ۰/۸۲ و از طریق بازآزمایی (با فاصله یک هفته) برابر با ۰/۷۸ بود. یونسی و میرافضل (۱۳۸۷) روایی همگرایی پرسشنامه تفکر قطعی نگر را نیز بر پایه ضریب همبستگی آن با نمره افسردگی بک مشخص کردند. این مقدار را با ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۳۳ بود. در پژوهش حاضر، الفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۹ برآورد گردید.

- 1 . Lock- Wales
- 2 . Enrich
- 3 . Hudson- Harrison & Koskap
- 4 . Daniel
- 5 . Porters

د. مقیاس تمایز یافتگی خود: این مقیاس توسط اسکورن و فریدلندر^۱ در سال ۱۹۹۸ ساخته شده است. این مقیاس ۴۳ آیتمی شامل ۴ خرده مقیاس: ۱. واکنش پذیری عاطفی؛ ۲. جایگاه من؛ ۳. گریز عاطفی و هم آمیختگی با دیگران است. خرده مقیاس های این پرسشنامه همسانی درونی قابل قبولی برای هر چهار مقیاس دارد که برای نمره کل ۰/۸۸؛ واکنش پذیری عاطفی ۰/۸۴؛ جایگاه من ۰/۸۳؛ گریز عاطفی ۰/۸۲ و هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۴ بدست آمد. در پژوهش حاضر، خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی ۰/۷۹؛ جایگاه من ۰/۷۳؛ گریز عاطفی ۰/۷۸؛ هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۵ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۸ برآورد گردید.

جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد.

یافته ها

جدول ۱. آزمون تعیین نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیر	آزمون کلموگروف-اسمیرنوف	مقدار p
رضایت زناشویی	۰/۸۶۵	۰/۴۴۳
رضایت جنسی	۱/۴۳۳	۰/۰۶۳
تمایز یافتگی	۱/۳۴۳	۰/۰۷۴
قطعی نگر	۱/۱۵۵	۰/۱۳۹

با توجه به نتایج جدول ۱، چون مقدار p، مربوط به آزمون کلموگروف-اسمیرنوف در نمرات تمام متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که توزیع تمام متغیرها نرمال است.

جدول ۲. شاخص کفایت مدل رضایت زناشویی با رضایت جنسی

مولفه ها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف معیار خطا
رضایت جنسی	۰/۳۵۳	۰/۱۲۵	۰/۱۲۲	۱۲/۲۰۰

با توجه به مقدار مثبت ضریب همبستگی (۰/۳۵۳) می توان نتیجه گرفت که با افزایش نمره رضایت جنسی میزان رضایت زناشویی نیز افزایش پیدا می کند. هم چنین ضریب تعیین (۰/۱۲۵) به دست آمده است که این مقدار نشان می دهد متغیر رضایت جنسی ۱۲/۵ درصد تغییرات رضایت زناشویی را تبیین می کند.

جدول ۳. آزمون تحلیل واریانس جهت معنی داری مدل رضایت زناشویی با رضایت جنسی

متغیرها	مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	آماره F	مقدار p
رضایت جنسی	رگرسیون	۷۶۷۰/۵۱۹	۱	۷۶۷۰/۵۱۹	۵۱/۵۲۶	۰/۰۰۰
باقیمانده		۵۲۸۷۹/۴۰۱	۳۶۲	۱۴۸/۸۳۸		
کل		۶۱۵۴۹/۹۲۰	۳۶۳			

با توجه به جدول، مقدار p کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ شده است بنابراین نشان از معنی دار بودن مدل رگرسیونی رضایت زناشویی با رضایت جنسی می باشد.

جدول ۴. نتایج رگرسیون ساده به منظور پیش بینی رضایت زناشویی از طریق رضایت جنسی

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	B	SE	Beta	T	مقدار p
رضایت جنسی	رضایت زناشویی	۰/۳۶۹	۰/۰۵۱	۰/۳۵۳	۷/۱۷۹	۰/۰۰۰

ضریب رگرسیونی غیراستاندارد: B:

ضریب رگرسیونی استاندارد: Beta:

با نگاهی به ضرایب رگرسیونی (استاندارد و غیراستاندارد) و مقدار p حکایت از آن دارد رضایت جنسی می تواند رضایت زناشویی را پیش بینی کنند. به عبارتی رضایت جنسی بر رضایت زناشویی در زوجین شهر اصفهان تأثیر دارد ($p < 0/05$).

جدول ۵. شاخص کفایت مدل رضایت زناشویی با تمایز یافتگی

مولفه ها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف معیار خطا
تمایز یافتگی	۰/۳۶۳	۰/۱۱۸	۰/۱۱۵	۱۲/۲۴۸

با توجه به مقدار مثبت ضریب همبستگی (۰/۳۴۳) می توان نتیجه گرفت که با افزایش نمره تمایز یافتگی میزان رضایت زناشویی نیز افزایش پیدا می کند. هم چنین ضریب تعیین (۰/۱۱۸) به دست آمده است که این مقدار نشان می دهد متغیر تمایز یافتگی ۱۱/۸ درصد تغییرات رضایت زناشویی را تبیین می کند.

جدول ۶. آزمون تحلیل واریانس جهت معنی داری مدل رضایت زناشویی با تمایز یافتگی

متغیرها	مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	آماره F	مقدار p
تمایز یافتگی	رگرسیون	۷۲۳۴/۶۸۸	۱	۷۲۳۴/۶۸۸	۴۸/۲۸۶	۰/۰۰۰
باقیمانده		۵۴۳۰۶/۲۳۲	۳۶۲	۱۵۰/۰۱۷		
کل		۶۱۵۴۹/۹۲۰	۳۶۳			

با توجه به جدول، مقدار p کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ شده است بنابراین نشان از معنی دار بودن مدل رگرسیونی رضایت زناشویی با تمایز یافتگی می باشد.

جدول ۷. نتایج رگرسیون ساده به منظور پیش بینی رضایت زناشویی از طریق تمایز یافتگی

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	B	SE	Beta	T	مقدار p
تمایز یافتگی زناشویی	رضایت	۰/۲۲۷	۰/۰۳۳	۰/۳۴۳	۶/۹۴۹	۰/۰۰۰

ضریب رگرسیونی غیراستاندارد: B:

ضریب رگرسیونی استاندارد: Beta:

با نگاهی به ضرایب رگرسیونی (استاندارد و غیراستاندارد) و مقدار p حکایت از آن دارد که تمایز یافتگی می تواند رضایت زناشویی را پیش بینی کنند. به عبارتی تمایز یافتگی بر رضایت زناشویی در زوجین شهر اصفهان تأثیر دارد ($p < 0/05$).

جدول ۸. شاخص کفایت مدل رضایت زناشویی با تفکر قطعی نگر

مولفه ها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف معیار خطا
تفکر قطعی نگر	۰/۲۰۵	۰/۰۴۲	۰/۰۳۹	۱۲/۲۶۴

با توجه به مقدار مثبت ضریب همبستگی (۰/۲۰۵) می توان نتیجه گرفت که با افزایش نمره تفکر قطعی نگر میزان رضایت زناشویی نیز افزایش پیدا می کند. هم چنین ضریب تعیین (۰/۰۴۲) به دست آمده است که این مقدار نشان می دهد متغیر تفکر قطعی نگر ۴/۲ درصد تغییرات رضایت زناشویی را تبیین می کند.

جدول ۹. آزمون تحلیل واریانس جهت معنی داری مدل رضایت زناشویی با تفکر قطعی نگر

متغیرها	مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	آماره F	مقدار p
تفکر قطعی نگر	رگرسیون	۲۵۷۵/۱۲۶	۱	۲۵۷۵/۱۲۶	۱۵/۸۰۷	۰/۰۰۰
	باقیمانده	۵۸۹۷۴/۷۹۴	۳۶۲	۱۶۲/۹۱۴		
	کل	۶۱۵۴۹/۹۲۰	۳۶۳			

با توجه به جدول، مقدار p کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ شده است بنابراین نشان از معنی دار بودن مدل رگرسیونی رضایت زناشویی با تفکر قطعی نگر می باشد.

جدول ۱۰. نتایج رگرسیون ساده به منظور پیش بینی رضایت زناشویی از طریق تفکر قطعی نگر

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	B	SE	Beta	T	مقدار p
تفکر قطعی نگر زناشویی	رضایت	۰/۲۲۷	۰/۰۳۳	۰/۳۴۳	۶/۹۴۹	۰/۰۰۰

ضریب رگرسیونی غیراستاندارد: B:

ضریب رگرسیونی استاندارد: Beta:

با نگاهی به ضرایب رگرسیونی (استاندارد و غیراستاندارد) و مقدار p حکایت از آن دارد تفکر قطعی می تواند رضایت زناشویی را پیش بینی کنند. به عبارتی تفکر قطعی بر رضایت زناشویی در زوجین شهر اصفهان تأثیر دارد ($p < 0/05$).

بحث و نتیجه گیری

هدف این مطالعه بررسی پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس رضایت جنسی، تمایز یافتگی و تفکر قطعی نگر در بین زوجین جوان شهر اصفهان بود. نتایج پژوهش به شرح ذیل می باشد:

فرضیه اول: رضایت جنسی بر رضایت زناشویی تأثیر دارد. نتایج نشان داد که رضایت جنسی می تواند رضایت زناشویی را پیش بینی کند. به عبارتی رضایت جنسی بر رضایت زناشویی در زوجین شهر اصفهان تأثیر دارد ($p < 0/05$) و فرضیه اول مبنی بر تأثیر رضایت جنسی بر رضایت زناشویی تأیید می شود. این یافته، با یافته های ترمن (۲۰۱۵)، مدانس (۲۰۱۵)، نیکولز (۲۰۱۵)، نیاک و ویسمن (۲۰۱۶)، بایرز (۲۰۱۴)، سلوسارز (۲۰۱۳)، نظری و همکاران (۱۳۹۵)، بخشایش و مرتضوی (۱۳۹۴)، رحمانی و همکاران (۱۳۹۴) و امرالهی و همکاران (۱۳۹۳) هماهنگ و همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که غریزه جنسی از نیازهای ذاتی انسان است. به طوری که مازلو (۱۹۷۶، به نقل از: واندرماسن، ۲۰۱۲) این نیاز را در رده نیازهای جسمانی یا نیازهای حیاتی اولیه قرار داده است. رابطه جنسی عامل مهمی در موفقیت یا عدم موفقیت زندگی زناشویی می باشد. زیرا اگر این رابطه قانع کننده نباشد منجر به احساس محرومیت، ناکامی، عدم احساس ایمنی (به خطر افتادن سلامت روان) و در نتیجه از هم پاشیدگی خانواده می باشد (شاملو، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر برآورده شدن نیازهای جنسی توسط جنس مخالف یکی از مهم ترین انگیزه های ازدواج است که امری است طبیعی، هر انسانی برای ارضای نیازهای جنسی خود در جستجوی راههای مناسب است. امیال نیازهای جنسی یکی از انگیزه های مهم ازدواج است که در زندگی زناشویی نقش اساسی دارد و کمتر زندگی زناشویی را می توان یافت که بدون داشتن روابط جنسی قابل دوام باشد. لذتی را که زن و مرد از ارضای امیال جنسی خود می برند از بهترین لذت هایی است که انسان کمتر می تواند در طول زندگی به آن دست یابد و همین لذت جنسی است که موجب می گردد بسیاری از مشکلات روزمره زندگی و اختلافات زندگی زناشویی نادیده گرفته شود و حالات وابستگی های عاطفی بین زن و شوهر افزایش یابد (نیاک و ویسمن، ۲۰۱۶). تأثیر رضایت جنسی بر رضایت زناشویی به خصوص در سال های اولیه زندگی از اهمیت بیشتری برخوردار است. در ابتدای زندگی، زن و شوهر تمایلات جنسی بیشتری دارند که به تدریج و با افزایش سن در تمایلات و تعداد روابط جنسی بی تأثیر است. در نهایت روابط جنسی

ارتباط عاطفی و احساسی بین زن و شوهر را پایدارتر و عدم رابطه جنسی این ارتباط عاطفی و احساسی را خدشه دار می سازد. مرد و یا زنی که بدون توجه به نیاز جنسی دیگری نسبت به مسائل جنسی بی تفاوت است و یا به ناتوانی جنسی، بی میلی جنسی و یا سردمزاجی مبتلاست این بی توجهی به اهمیت موضوع موجب خواهد شد که به روابط بین زن و شوهر لطمه زیادی وارد شود و فرد مقابل را دچار حالات عصبانیت و نسبت به همسر و زندگی دلسرد سازد و به تدریج موجب بروز رفتارهای پرخاشگرانه و در نهایت افسردگی شود (مدانس، ۲۰۱۵).

فرضیه دوم: تمایزیافتگی بر رضایت زناشویی تأثیر دارد. نتایج حاکی از آن است که؛ تمایزیافتگی می تواند رضایت زناشویی را پیش بینی کند. به عبارتی تمایزیافتگی بر رضایت زناشویی در زوجین شهر اصفهان تأثیر دارد ($p < 0/05$). این یافته با یافته های پیلاژ (۲۰۱۶)، اسکرون و دندی (۲۰۱۵)، گلید (۲۰۱۴)، هاوس و ملینکروود (۲۰۱۳)، گاینز، پروسا، بارتل - هرینگ (۲۰۱۳)، اباذری (۱۳۹۵)، صمدی (۱۳۹۵)، منتی زاده (۱۳۹۴)، نیلاب (۱۳۹۴)، محمدی (۱۳۹۳)، خطیبی (۱۳۹۲)، جمالی (۱۳۹۲) هماهنگ و همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت افراد با تمایزیافتگی بالا هیجانات خودآگاهی دارند و قادر به سنجش متفکرانه موقعیت هستند. این افراد توانایی رشد من مستقل را در روابط صمیمانه دارند و می توانند در روابط عمیق و زناشویی آرامش و راحتی خود را حفظ کنند و از متزاج و گسلس عاطفی برای تعدیل تنش های درونی خود اجتناب کنند (اسکرون و دندی، ۲۰۱۵). این افراد در بعد درون شخصیتی به راحتی می توانند احساسات شان را از عقلانیت شان جدا کنند و در موقعیت های مشکل زای زندگی قادر به استفاده از نظام عقلانی خود در چگونگی واکنش و حل موقعیت ها می باشند. در بعد فردی نیز این افراد می توانند روابط صمیمانه و عمیقی با دیگران برقرار می کنند و در عین حال استقلال خود را حفظ کنند. زندگی این افراد توسط خودشان اداره می شود نه توسط هیجانات یا اشخاص دیگر. افراد با سطح تمایز بالا در ازدواج، دارای پختگی هیجانی هستند، انعطاف پذیرند، قادر به برقراری و ادامه روابط صمیمانه با یکدیگرند و می توانند از آن لذت ببرند (پیلاژ، ۲۰۱۶). مجموعه این عوامل باعث می شود آنها در زندگی مشترک خود احساس رضایت و خشنودی کنند. از طرف دیگر به نظر می رسد، افراد کمتر تمایزیافته در دام هیجانات خود گرفتار هستند و عقل و هیجانات شان در هم آمیخته است، زندگی شان تحت اختیار دیگران قرار می گیرد و به شدت به دیگران وابسته هستند. این افراد صمیمیت و نزدیک شدن به دیگران را عمیقاً تهدید می دانند و به همین دلیل از صمیمیت اجتناب می کنند، احترام به خود و عزت نفس در آنها پایین است و در مواقع بحرانی و برخورد با مشکلات زندگی به طور ناگهانی بر اساس احساسات شان تصمیم گیری می کنند.

طبیعتاً مهارت های لازم را دارا نیستند و در نتیجه می توان پیش بینی کرد که با مشکلات عدیده زناشویی روبرو شوند (گلید، ۲۰۱۴). بنابراین و به طور کلی هر اندازه میزان تمایز یافتگی افراد پایین باشد، آمادگی بیشتری برای اضطراب دارند، به رویدادها و رفتار همسرشان واکنش عاطفی یا هیجانی شدیدتری نشان می دهند، ظرفیت شان برای پیوندهای صمیمانه با شریک خود محدود است و در صورت نیاز برای نزدیک تر شدن دچار امتزاج یا آمیختگی عاطفی می شوند و تعارضات و فشارهای زناشویی زیادی را متحمل می شوند که همه این ها در نارضایتی زناشویی تأثیرگذار است.

فرضیه سوم: تفکر قطعی نگر بر رضایت زناشویی تأثیر دارد. هم چنین نتایج حاکی از آن است که؛ تفکر قطعی نگر می تواند رضایت زناشویی را پیش بینی کند. به عبارتی تفکر قطعی نگر بر رضایت زناشویی در زوجین شهر اصفهان تأثیر دارد ($p < 0/05$). این یافته با یافته های یولاندا (۲۰۱۷)، ویسمن، اوبلکر و وینستاک (۲۰۱۶)، فریش (۲۰۱۵)، اسمیت و همکاران (۲۰۱۴)، مرشدی (۱۳۹۵)، مقصودزاده (۱۳۹۴) همسو است. در تبیین این یافته ها می توان گفت بر پایه دیدگاه شناختی، الگوهای شناختی مانند تفکر قطعی نگر میزان رضایت مندی زناشویی را پیش بینی می کنند (ویسمن و همکاران، ۲۰۱۶). برخی از پژوهشگران یکی از علل رضایت مندی زناشویی را سبک های شناختی زوجین و ثبات روابط زناشویی را در گرو سوگیری های شناختی آنان می دانند (یولاندا، ۲۰۱۷). به اعتقاد گاتمن (۲۰۱۳) ادراک و شناخت، فیزیولوژی و رفتار سه پایه اساسی تداوم زندگی زناشویی است و ادراک زوجین از یکدیگر مهم ترین آنها به حساب می آید. اسمیت و همکاران (۲۰۱۴) نیز اعتقاد دارند که زوجین می توانند آینده و نوع رابطه زناشویی آنان را پیش بینی کنند. یونسی و بهرامی (۱۳۹۳) نیز معتقدند که تغییرات شناختی هر یک از زوجین می تواند با تغییر اسنادهای شناختی، به افزایش میزان بیشتر رضایت مندی زناشویی و احساس بهتر زوجین نسبت به یکدیگر منجر شود. بعضی از محققین نظیر ویسمن، اوبلکر و وینستاک (۲۰۱۶) با تأکید بر ارتباط تنگاتنگ افسردگی و رضایت مندی زناشویی اعتقاد دارند که اسنادهای علی مثل تفکر قطعی نگر به عنوان متغیر قطعی نگر به متغیر تسهیل کننده بین افسردگی و رضایت مندی زناشویی عمل می کنند. کیفیت روابط زناشویی بستگی به مثلث های شناختی (کلی، پایدار و درونی) زوجین دارد (مرشدی، ۱۳۹۵). بنابراین نحوه پردازش اطلاعات، تعیین کننده چگونگی ارتباط بین زوجین است (شاپیرو، ۲۰۱۰) و بر سازگاری زناشویی افزایش می یابد (یونسی و بهرامی، ۱۳۹۳). افزون بر این، مطالعات بالینی در زوج درمانگری نیز مبین آن هستند که تنظیم تفکر قطعی نگر در زوج ها، همراه با سایر فنون شناختی، با افزایش رضایت مندی و کاهش

تعارض زناشویی همراه است (مقصودزاده، ۱۳۹۴). زیرا نحوه تفکر زوجین از عوامل بسیار مهم در تعیین میزان رضایت مندی یا تعارض های زناشویی و افزایش سلامت روانی آنان است (فریش، ۲۰۱۵). در پایان شایان ذکر است که با توجه به این که رضایت جنسی، تمایزیافتگی و تفکر قطعی نگر بر رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان تأثیر داشت. به منظور افزایش سطح رضایت زناشویی در بین زوجین جوان پیشنهاد می گردد که سازمان های مسئول مثل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دوره های آموزش فردی و گروهی برای افزایش آگاهی های جنسی و دست یابی به رابطه جنسی رضایت بخش برگزار گردد. هم چنین بررسی دیدگاه ها و راهکارهای ارائه شده از سوی صاحب نظران و اساتید دانشگاه در رشته های مرتبط با متغیرهای پژوهش در جهت از بین بردن شکاف ها بین وضعیت فعلی و موجود پیشنهاد می گردد.

یکی از محدودیت های موجود در پژوهش حاضر، هراس و عدم پاسخگویی پاسخ دهندگان از پاسخگویی به سوالات می باشد؛ که این امر موجب طولانی تر شدن فرآیند پرسش سئوالات و لزوم شرکت دیگر می باشد. هم چنین معمولاً در این گونه پژوهش ها، اطلاعات جمع آوری شده از یک مقطع زمانی است؛ لذا اگر اطلاعات جمع آوری شده به صورت سری زمانی باشد، نتایج بهتری حاصل خواهد شد.

Referanc

Batt, V.J., Nick Gabion, S. & Foley, F. (2015), Perspectives on the Provision of Counselling to Women in Ireland. Dublin: Women's Health Council.

Berzsenyi, M., & Weismann, M. (2014). Sexual desire and relationship functioning; It's effect of marital satisfaction and power. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 30(3), 199-217.

Byers, E. S. (2014). Relationship satisfaction and sexual satisfaction. A longitudinal study of individuals in long- term relationships. *Journal of Sex Research*, 42(2), 113-118.

Choi, J.M., Pamela, S., Pessoa, L. (2012). Impact of State Anxiety on the Interaction between Threat Monitoring and Cognition. *Neuro image*, 59 (2), 1912-1923.

Geld, A.P. (2014). Characteristics of families that function well. *Journal of family issues*, 21(8), 948- 963.

Genies, AS, Conrad L (2013). Do thinking styles predict academic performance of online learning? *International Journal of Technology in Teaching & Learning*, 8(2), 432-42.

Grief, A.P. (2015). Characteristics of families that function well. *Journal of Family Issues*, 21(8), 948- 963.

Gesso, C.& Frets, B. (2009), *Family therapy, an overview*. Wadsworth, advising of themes learning.

Haws, W., & Mallinckrodt, B. (2013). Separation individuation from family of origin and marital adjustment of recently married couple, *American Journal of Family Therapy*, 26(4), 293-307.

Maddens C (2015). *Strategic family therapy*. San Francisco: Jose-Bass.

Hidden Roots, K. M., Jankowski, P. & Sand age, S.J. (2015). Bowen family systems theory and spirituality: Exploring the relationship between triangulation and religious questing. *Contemporary Family Therapy*, 32 (3), 89-101.

Fresh, F. H (2015). Possibilities for the prevention of marital discord: A behavioral perspective. *American Journal of Family Therapy*, 9 (4): 30-48.

Leilani, A. (2013). *Differentiation and intimate partner violence*. Dissertation for Doctor of Philosophy, College of Human Ecology, Kansas State University.

Nichols, M. P. (2015). Concurrent discriminant validity of the Kansas marital satisfaction scale. *Journal of Marriage and the Family*, 48(2): 381-387.

Olson, D. H., & Defray, J. (2016). *Marriages & families' intimacy, diversity and strengths* (5th Ed). New York: McGraw-Hill.

Pelage, M. (2016). The relationship between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learn from married couple over the course of life? *The American Journal of Family Therapy*, 36 (8), 388-401.

Pruco, R., Wilson-Gunderson, M., & Cartwright, F. P. (2012). Depressive symptoms and marital satisfaction in the context of chronic disease: A longitudinal dyadic analysis. *Journal of Family Psychology*, 23 (12), 73-583.

Pease, K. (2013). **Differentiation of self and anxiety as a function of culture**. A thesis for the degree of Master of Science California State University, Stanislaus.

Skowron, E. A., & Dandy, A. K. (2015). Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control. **Contemporary Family Therapy: An International Journal**, 26 (8), 337-357.

Slosarz, W. J. (2013). Relationship between lifestyle and factors affecting sexual life. **Journal of Sexual and Relationship Therapy**, 15(2): 367-380.

Smith, A. J., Rosen field, D., & McDonald, R. (2014). Cognitive mechanism of social anxiety reduction: An examination of specificity and temporality. **Journal of Consulting and Clinical Psychology**, 74 (6), 1203-1212.

Sommers-Flanagan, J., & Sommers-Flanagan, R. (2011). **Counseling and psychotherapy: Theories in context and practice**. New Jersey: John Willy.

Speicher, S., Wenzel, A., Harvey, J. (2010). **Handbook of Relationship Initiation**. New York: Taylor & Francis Group; 337-353.

Term an F.L. (2015). The Developing Field of Intellectual Styles: Four Recent Endeavors. **Learn Individual Differences**, 21(3), 311-318.

Vander Masen, G. (2012). Sexual selection: A tale of male and feminist denial. **European Journal of Women's Studies**, 11(1), 2-26.

Weismann, M. A., Uebelacker, L, A., & Weinstock, L. M. (2016). Psychopathology and marital satisfaction. **Journal of Consulting and Clinical Psychology**, 72 (5), 830-838.

Yolanda, A. T. (2017). A correlation study between depression and marital adjustment in Hispanic couples. **The Family Journal**, 15 (1), 46-52.

